

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع. غ.
۰۳ دسمبر ۲۰۱۸

به دفاع از مبارزات کارگری

دور جدید مبارزات کارگری علیه حاکمیت فاسد مجدداً سر برآورده است، کارگران هفت تپه، فولاد اهواز، اعتصاب رانندگان کامیون، کارگران هپکو اراک بر سر خواست های تقریباً یکسان از جمله تأمین امنیت شغلی، پرداخت حقوق ها، مسائل بازنشستگی، مبارزه با تورم و گرانی، مبارزه با فساد، آزادی بازداشت شدگان و.... باز هم دست به تحسن، اعتصاب، تجمع و ... زده اند. هر بار که از اعتراضات می گذرد حمایت توده نی از این اعتصابات و تحسن ها بیشتر می شود. هجوم نیروهای انتظامی به اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و دستگیری ۱۸ نفر تا تاریخ دوشنبه و سپس آزادی ۸ نفر از آنان هم نتوانست که خشم کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و حتی مغازه داران حامی این حرکت را خاموش کند و تحسن کارگران فولاد اهواز و نیز کارگران نیشکر هفت تپه در همبستگی و حمایت توده نی گسترش یافته است. رژیم در عین فرستادن یگان های ضد شورش برای سرکوب اعتراضات ولی با دست پاچگی اعلام کرد که یکی از اعضای هیأت مدیره فراری است و هیأت دولت در آخرین جلسه خود موضوع خواست های کارگران هفت تپه و فولاد اهواز را مورد بررسی قرار داده و تصمیم به حل مشکلات آنها گرفته است.

تا زمانی که این مطلب نوشته شده است اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز ادامه داشته و آزادی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی به یکی از فوریت های کارگران تبدیل شده است. فریبکاری جدید دولت با وعده پرداخت حقوق معوقه و رسیدگی به درخواست های دیگر و همزمان فرستادن نیروهای سرکوبگر به منطقه، همچون وعده دولت در مذاکره با رانندگان کامیون اعتصابی نتوانسته توهمی در کارگران ایجاد کرده و کارگران خواهان انجام عملی خواست هایشان از جانب دولت هستند.

در وضعیت پیش آمده برای کارگران دولت نقش درجه اول و مستقیمی را ایفاء کرده است. دولت با فروش این واحد در سال ۱۳۹۴ به بخش خصوصی که با پولشویی و حیف و میل های زیادی همراه بود. بی ثباتی فراگیری را در بخش های مختلف این واحد صنعتی – کشاورزی که قبلاً هم ناشی از کهنگی ابزار آلات رنج می برد، به وجود آورد. از همان زمان هم عقب افتادگی حقوق کارگران و کارمندان به امری متداول تبدیل شد. در اعتراض های سال های گذشته دولت یا با وعده و وعید و یا با سردواندن کارگران درخواست های محفانه کارگران را بی جواب گذاشت. اخراج، عدم پرداخت حقوق ها و مزایا در موعد مقرر و.... به سیاست های رسمی ولی نا نوشته دولت در برابر اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است. دولت ضد کارگر اسلامی نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در عرصه سیاسی و امنیتی هم

دیگر قادر به ایستادگی در برابر اعتراضات کارگران و معلمان نیست. این موقعیت در طی ده سال گذشته با فداکاری، زندان و شکنجه بسیاری از کارگران به دست آمده است. تحصن کارگران فولاد اهواز در میدان مرکزی شوش و حمایت توده ئی از آن یک قدم بزرگ مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی به جلو است. رژیم اسلامی را از سرنگونی راه خلاصی نیست اما چگونگی این سرنگونی و نیروهای سرنگون کننده این رژیم ارتجاعی با تجربیاتی که مردم از اوضاع کنونی و چند دهه گذشته ایران و جهان کسب کرده اند بر دو اصل تکیه به نیروی خود و دفاع از وسیع ترین آزادی های اجتماعی برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه آنها به صورت متشکل گذاشته اند. در عین حال اعتراضات همزمان و مشترک کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نشان داد که قدرت طبقه کارگر در همبستگی بخش های مختلف آن توان مقابله با بورژوازی و عناصر و عوامل آن را صد چندان خواهد کرد.

دولت جمهوری اسلامی طبق معمول هر مشکلی را یا به خارج و یا ضد انقلاب ربط می دهد. و دست تا مرفق به خون خود را می پوشاند. در اعتراضات اجتماعی چند سال گذشته هم این روش و سیاست رژیم جمهوری اسلامی ادامه داشته است. آنها تحریم های اقتصادی را مبنای مشکلات کنونی قرار می دهند و از فساد و رانت خواری و دزدی های میلیاردی خود و آقازاده ها چیزی نمی گوید. آنها شرکت کشت و صنعت هفت تپه را به چندین برابر زیر قیمت فروختند و پولش هم پرداخت نشد و به قول خودشان از بیت المال (بخوان سفره مردم مزدبگیر و کارگر) پرداخت شد. دست درازی مدیریت جدید تا آنجا پیش رفت که دست به فروش زمین های زیر کشت بزنند. نتیجه این زد و بند و رانت خواری در هفت تپه وضعیت نابسامانی است که مدیریت کارخانه به وجود آورده است. کارگران راه های حل مشخصی هم برای برون رفت از این اوضاع دارند که با مخالفت دولت مواجه است. از آنجمله کنترل کارگری و شورائی برآن و یا داشتن نماینده واقعی شان در مدیریت. در صورتی که کارگران هفت تپه بتوانند کنترل این واحد صنعتی را به دست بگیرند روشن است که بسیاری از مشکلات اداری و مالی آن را به سرعت حل خواهند کرد. اما مخالفت دولت ناشی از دو مسأله است یکم این که کارگران در عمل نشان خواهند داد که توانائی بیشتری در اداره جامعه کارگری و کل جامعه دارند دوم این می تواند سنتی برای واحد های کارگری دیگر به وجود بیاورد. روشن است که خواست دولت نه راه اندازی تولید و به قول خودشان اقتصاد مقاومتی بلکه ساکت کردن کارگران و رانت خواری از قبل آنان است.

وزارت تعاون و رفاه اجتماعی هم با همدلی های ظاهری فریبانه با کارگران در عمل به پشتیبانی از بخش خصوصی و مدیریت عمل کرده است. دستگیری های جدید هم این تجربه را باز هم در مبارزات کارگری پیش روی مبارزان و فعالان کارگری می گذارد که از دل این مبارزات بایستی نیروهای جوانی را در جهت و سمت و سوی ادامه مبارزه تربیت کرد. نیروهای جوان در مبارزات کنونی نه تنها ادامه مبارزات را تضمین خواهند کرد بلکه می توانند تجربیات مثبت و منفی گذشته را در جهت پیروزی های آینده انتقال بدهند و مانع گسست انتقال تجربیات به نسل های آینده ناشی از سرکوب و فاصله نسل ها شوند.

شعارهایی که در طی ۱۴ روز گذشته اعتراضات سر داده شد، نشان می دهد که اکثریت کارگران از شناخت خوبی نسبت به دشمن و نیروی خود دارند. دولت می داند که با سرکوب نمی تواند این اعتراضات را خاموش کند این بار سرکوب می تواند به متشکل شدن بیشتر کارگران و کشاندن خانواده های آنان و توده های وسیع تری به خیابان ها بینجامد که این زنگ خطر جدی برای حاکمیت فاسد کنونی در ایران است. رژیم اسلامی باید و به فوریت حقوق های عقب مانده کارگران را پرداخت کند. آزادی بدون قید و شرط و فوری دستگیرشدگان و نیز بایستی بقیه خواست های معترضان جامعه عمل بباشد. ما از همه انسان های آزادیخواه و عدالت طلب می خواهیم که از اعتراضات کارگران هفت تپه و کارگران فولاد اهواز و هیکوی اراک به صورت متحد و متشکل حمایت کنند.

پيروز باد مبارزات به حق کارگران عليه رژيم سرمايه داري اسلامي
کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد